
نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان و نقش آن در روسپیگری زنان

پروین مسلمی بیدهدنی^۱، دکتر حبیب الله آقابخشی^۲ و دکتر ایرج اسماعیلی^۳

چکیده: پدیده روسپیگری از انحرافات است که سلامت هر جامعه‌ای را تهدید می‌کند. متأسفانه روسپیگری در تمام جوامع با شدت و ضعف وجود دارد و این انحراف نه تنها تبعاتی شخصی چون بیماری‌های مقاربتی مانند ایدز، اعتیاد و نابسامانی خانواده‌ها را در پی دارد، بلکه دارای اثرات سوءاجتماعی نیز هست. در این پژوهش نقش مردان در به روسپیگری کشاندن زنان با استفاده از نظریه فمینیسم رادیکال بررسی شد. محقق برای جمع آوری داده‌ها از همکاری ۲۰۶ زنی که از آبان تا اسفندماه سال ۱۳۸۹ به جرم روسپیگری دستگیر شده و در زندان‌های رجایی شهر، اوین، ورامین دوران محکومیت خود را سپری می‌کردند استفاده کرد. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی با استفاده از پرسشنامه پژوهشگر ساخته بود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی-استنباطی و در تحلیل فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان با ۹۵ درصد اطمینان، ارتباط معناداری با روسپیگری زنان دارد ($P=0.001$). با توجه به یافته‌ها می‌توان دریافت نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان نقش مؤثری در به روسپیگری کشاندن زنان داشته است.

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۶/۲۴

کلید واژه‌ها: روسپیگری، مردان، نیاز عاطفی زنان، فمینیسم رادیکال

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه علوم اجتماعی، رودهن، ایران. pmostemi@yahoo.com

۲. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

۳. دبیر شورای تحقیقات زندان‌های استان تهران، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه شاهد هستیم که در جوامع گوناگون به دلایل متعدد جرم و فساد رو به افزایش است و افراد زیادی را به ورطه نابودی کشانده است. آسیب‌های اجتماعی ریشه‌ای دیرینه دارند و امری تصادفی نیستند بلکه پدیده قانونمندی هستند که ریشه در تاریخ نظام اجتماعی، نظام شخصیتی افراد و ... دارند. یکی از آسیب‌های اجتماعی گسترش روسپیگری است که عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در بروز و گسترش آن نقش مهمی ایفا می‌کند. در زمینه روسپیگری هم‌چون دیگر آسیب‌های اجتماعی با توجه به جرم بودن و در نتیجه مخفی ماندن آن در سطح جامعه، پژوهش جامعی در سطح ملی به طور کافی انجام نگرفته است. از آنجا که این معضل اجتماعی می‌تواند آسیب‌های فراوانی بر پیکره جامعه وارد کند، جا دارد از دیدگاه‌های متعدد آن را بررسی کرد. گرچه عوامل بسیار متعددی می‌توانند در به روسپیگری کشاندن زنان نقش مؤثری ایفا کنند، در این پژوهش به نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان و نقش آن در روسپیگری زنان پرداخته شده است.

بیان مسئله

داستان هم آغوشی زن و مرد از ابتدای خلقت تا کنون شگفت‌انگیزترین و پیچیده‌ترین داستان زندگی بشر بوده است. این در آمیختگی تنها و تنها در آمیزش دو جنس خلاصه شده است. این پدیده در هر چهارچوبی رخ دهد و از هر منظری به آن نگاه شود، تراژدی‌های غم‌انگیزی در برداشته است. در این میان روسپیگری که آشکارترین نمونه در آمیختگی جسمانی بین دو انسان است یکی از قدیمی‌ترین و غم‌انگیزترین تراژدی‌های تاریخ بشری بوده است (جولین، ۱۹۹۴: ۱۵).

تا آنجا که می‌توان گفت، از سال‌ها قبل از میلاد مسیح پدرها و مادرها زیباترین دختران و گاه پسران خود را به معابد می‌فرستادند تا کاهنان و روحانیون با لمس بدن‌های بکر آنان بهشت برین را به آنها ارزانی دارند. دخترکانی که در معابد پای می‌کوبیدند و دست می‌افشانند به کاهنان گرما می‌بخشیدند و برای رونق بخشیدن به معابد هرم نفس‌های خود را با نفس‌های میهمانان درهم می‌آمیختند. آیین روسپیگری روحانی تا قرن‌ها در مشرق زمین ادامه یافت و طی آن افراد با قربانی کردن دخترانشان به خیال خود چه بهشت برینی را که برای خود خریدند (علیایی‌زند، ۱۳۸۳: ۱۳).

به طور کلی می‌توان گفت روسپیگری از اعصار کهن تا قرن حاضر چه در شکل سنتی و چه در مظاهر علنی و جلوه‌های جدید آن، کارکردهای مختلفی داشته است. در سال‌های اخیر تجارت زنان با هدف های جنسی به یکی از پر درآمدترین منابع تجاری دنیا تبدیل شده است. از این رو روسپیان به تدریج به عناصر مسخ شده‌ای تبدیل گردیده‌اند که کرامت و هویت خویش را به سرعت از دست داده و در خدمت دیگران قرار گرفته‌اند. دیگرانی که فقط خواهان تن آنها، نه روح اعتقاد و فکرشان هستند (مرضیه آقایی، ۱۳۸۵: ۱۷).

اما آنچه امروز مطرح است تنها عمل روسپیگری نیست، بلکه تبعات حاصل از آن مشهودتر است تبعاتی که همراه خود نه تنها ایدز، اعتیاد، نابسامانی خانواده‌ها بلکه ناهنجاری جوامع را در بردارد. دخترکانی با سنین کم، آن هنگام که در آغوش مردانی هم سال پدر خود قرار می‌گیرند به راستی به دنبال چه هستند؟ آیا در پی دستی هستند که بر سر آنان کشیده شود یا شنیدن کلامی محبت آمیز؟ یا وضعیت اقتصادی مردان در کشاندن آنها به سیر قهقرایی مؤثر است؟ تأمین نیاز مالی دغدغه‌ای است که باعث می‌شود زنان برای حل آن حتی حاضر شوند تن خود را به معرض فروش بگذارند و در این راه به هر مشتری جواب آری گویند، حتی اگر این مشتری دارای مشکلات جسمی - جنسی، روحی یا روانی باشد و یا فردی باشد که با قدرت بیان خود بتواند زنان را اغوا کند (گرگرسون، ۱۹۸۳: ۲۶).

از آنجا که این تبعات نه تنها فردی بلکه جمعی و مربوط به جامعه‌اند، در پی‌آینیم بدانیم مردان چه نقشی در به روسپیگری کشاندن زنان دارند؟

ضرورت پژوهش

شناخت هر موقعیت گامی در جهت ساماندهی به آن موقعیت است و از آنجا که آمار و ارقامی رسمی در خصوص انحراف و جرایم جنسی زنان وجود ندارد یا در دسترس عام نیست، همواره از مسائل آنان تحت عنوان مسائل حیثیتی نام برده می‌شود و به نوعی به جای شناختن و پرداختن به علل مسائل و مشکلات این زنان، سعی شده است صورت مسئله پاک شود.

از آنجا که آسیب‌های اجتماعی را نمی‌توان جدا از یکدیگر دانست، پدیده روسپیگری نیز به عنوان یک عامل آسیب اجتماعی نمی‌تواند جدا از سایر پدیده‌های اجتماعی بررسی شود. در بروز این پدیده عوامل متعددی نقش دارند. در ایران نیز به دلیل آسیب‌های مختلف اجتماعی که زنان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، این پدیده از دیر باز وجود داشته است و امروز نیز

وجود دارد. هر چند این عمل امروز در کشور ما جرم محسوب می‌شود، برخی از جامعه شناسان و تحلیلگران اجتماعی آن را یکی از آسیب‌های اجتماعی معرفی می‌کنند و خواهان آسیب-شناسی جدی آن هستند. با وجود فقر آماری در این زمینه، کارشناسان در یک مورد اتفاق نظر دارند و آن مورد این است که روسپیگری ایران در شرایط نگران کننده ای دارد و با توجه به شرایط بد اقتصادی و افزایش فقر، همچنین بالا رفتن سطح زندگی، این وضعیت بدتر هم خواهد شد و معضلی دردناک برای کشور عزیزمان است. در هر حال آنچه مسلم است، این معضل اجتماعی، چه پنهان و چه آشکار در جامعه ایرانی وجود دارد و انکار وجود آن، راه حل مناسبی برای مهار مشکل اجتماعی یاد شده نیست. در حل هر مشکلی پذیرش آن مهم است. هنوز عده‌ای در جامعه ما هستند که رفتارشان با هنجارهای جامعه ایرانی مطابقت ندارد. روسپیگری خود باعث به وجود آمدن پدیده‌های دیگری مثل ایدز و اعتیاد می‌شود. قابل ذکر است که در به وجود آمدن این پدیده عوامل متعددی نقش دارند، در این پژوهش از میان عوامل متعدد به بررسی نقش مردان در به وجود آمدن این آسیب اجتماعی پرداخته است.

مروری بر پیشینه پژوهش

علیایی زند در سال ۱۳۶۹ به بررسی عوامل زمینه ساز تن دادن زنان به روسپیگری پرداخت. جامعه آماری ۱۴۸ زن روسپی بین ۱۵ تا ۴۰ ساله بودند. در این پژوهش می‌خوانیم که ۶۴ درصد روسپیان دارای کمبود احساس مهر و محبت خانواده بودند و این عامل در زنان عادی فقط ۴ درصد بوده است. اکثر زنان روسپی قبل از اقدام به این کار توسط پدر، دایی، برادر، و ... خود مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند. ۲۶ درصد این زنان اقدام به فرار از منزل کرده‌اند. ۵۴ درصد آنان قبل از فرار دارای همسران معتاد بوده‌اند و ۶/۷ درصد با تشویق شوهرانشان اقدام به روسپیگری می‌کرده‌اند. ضمناً ۲۲/۵ درصد این افراد در زمان کودکی مورد سوء استفاده قرار گرفته بودند و قبح و زشتی این عمل برای آنان از بین رفته بود (علیایی‌زند، ۱۳۶۹، به نقل از سلطانی فاطمه، ۱۳۸۲).

زهرآ صابری در تحقیقی به بررسی ویژگی‌های خانوادگی، اجتماعی زنان روسپی در مقایسه با زنان غیر روسپی پرداخت و نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که این افراد روسپیگری را از سنین بسیار پایین شروع کرده‌اند، ۵۰ درصد افراد مورد مطالعه مجرد بودند، ۸۲ درصد روسپیان اولین رابطه جنسی‌شان را در سنین ۱۸-۲۲ سالگی تجربه کرده بودند و ۶۴ درصد هم در همین مقطع روسپی شده بودند، ۵۴ درصد افراد خانواده این زنان معتاد بوده‌اند،

۶۶ درصد فرار از منزل داشته‌اند، ۳۲ درصد نیاز به پول را دلیل اصلی روسپیگری خود ذکر کرده‌اند، در حالی که ۶۸ درصد از عوامل غیرمادی نام برده‌اند و در نهایت بیشتر روسپیان احساس می‌کردند در زندگی از دیگران عقب‌تر هستند (صابری، زهرا، ۱۳۸۲: ۲۸).

مک لئود در تحقیقی با عنوان "چرا مردان به سراغ تن فروش‌ها می‌روند" مصاحبه‌های عمیقی با ۲۰ مشتری مرد انجام داد. او همچنین با تن‌فروشان صحبت کرد تا کمکی به فهم این موضوع باشد که چرا مردان به دنبال خدمات جنسی هستند. اگرچه به دست آوردن لذت جنسی با پول، صرفاً برای مردان منع نشده، زشتی آن برای زنان بسیار بیشتر از مردان محسوب می‌شود. بیشترین چیزی که مردان از زنان تن فروش می‌خواهند کامروایی "فرد محور" است. مردان به این دلیل به سراغ تن‌فروش‌ها می‌روند که نقش‌های کلیشه‌ای "جنس خواهانه" تسلط مردانه را تشدید می‌کند. به علاوه اغلب در شرایطی که نهاد ازدواج از تأمین نیازهای جنسی و عاطفی آنها قاصر است، جرأت افشای این حقیقت را ندارند (مک لئود، ۱۹۸۲: ۴۹).

مک کگانی و برنارد (۱۹۹۶) "درباره مشتری‌هایی که خواهان رابطه جنسی با تن‌فروشان هستند" به موارد متنوع‌تری مثل توانایی‌های جنسی خاص، هیجان یک رابطه مخفی و میل به رازآمیزی ماهیت این رابطه اشاره کرده است (مک کگانی، ۱۹۹۶: ۳۶).

در پژوهش مارتین (۱۹۹۹) سن مردان دستگیر شده بین ۱۸ تا ۸۴ سال با میانگین ۳۸ بود. بیشتر مشتریان از طبقه کارگر، ۴۱ درصد متأهل، ۸۳/۶ درصد شاغل تمام وقت، ۱۰/۷ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی و ۲۴/۴ درصد از ازدواجشان ناراضی بوده‌اند (مارتین، ۱۹۹۹: ۳۶).

در مطالعه‌ای با عنوان "نیمرخ مردان مشتری روسپیان" که با فراخوان روسپیان رسمی و غیر رسمی در سیدنی، ملبورن، بریسان استرالیا صورت گرفت نتایج زیر به دست آمد. در کل ۱۸۶ روسپی در تحقیق شرکت کردند و اطلاعات ۲۰۸۸ رابطه و نیمرخ ۱۷۷۶ مشتری (مرد) را در اختیار گذاشتند. بیشتر مشتریان یعنی ۳۱/۷ درصد در دهه ۴۰، ۲۸/۷ درصد در دهه ۳۰ و ۱۶ درصد در دهه ۲۰ عمر و اکثر آنان از طبقه متوسط بودند. مشتری‌های ثروتمند به استفاده از خدمات مؤسسات رسمی تمایل داشتند. در حالی که مردان فقیر از روسپیان خیابانی استفاده می‌کردند. بیشتر مشتری‌ها (۴۵ درصد) هم جنس‌خواه و ۳۱/۳ درصد دو جنس‌خواه بودند. مصرف الکل و مواد در مشتریان قبل از رابطه جنسی غیر معمول بود. خشونت مشتریان در موارد نادری گزارش شد (مینچلو، ۱۳: ۱۹۹۹).

چهارچوب نظری

در این پژوهش از نظریه فمینیسم رادیکال استفاده شده است. این گروه معتقدند اساسی‌ترین موضع فمینیسم رادیکال، ارزش قایل شدن بسیار مثبت برای زنان و ابراز گلایه و خشم عمیق از ستمگری با آنان است (ریترز، ۳۷۴: ۴۸۸). فمینیست‌های رادیکال از طریق مقابله با نظامی جهانی که به زن کم بها می‌دهد، بر ارزش ویژه زنان تأیید می‌کنند؛ آنها با ارائه فهرست مفصل و تکان دهنده‌ای از بدرفتاری‌هایی که در سراسر جهان با زنها شده است، خشم‌شان از ستم به زنان را ابراز می‌دارند (نظریه‌های جامعه‌شناسی دوران معاصر: ۴۸۸). فمینیست‌های رادیکال شاخص سراسر جامعه را ستمگری می‌دانند. هر نهادی از جامعه نظامی است که با آن برخی از انسان‌های دیگر تحت تسلط در می‌آیند. بنیادی‌ترین ساختار ستمگری به جنسیت تعلق دارد که همان نظام پدرسالاری است. مردها از طریق مشارکت در پدرسالاری یاد می‌گیرند که چگونه آدم‌های دیگر را با تحقیر نگاه کنند و به عنوان موجوداتی غیرانسانی آنها را تحت نظارت خود در آورند. در چهارچوب نظام پدر سالاری، مردان و زنان انقیاد را می‌بینند و یاد می‌گیرند. به نظر فمینیست‌های رادیکال، پدر سالاری کمتر از همه مورد توجه قرار گرفته است، ولی مهم‌ترین ساختار نابرابری اجتماعی به شمار می‌آید. مردان تنها برای داشتن منابع تسلط بر زنان، پدرسالاری را ایجاد و حفظ نمی‌کنند، بلکه به نفعشان است که زنان را از این طریق وادار سازند به عنوان ابزارهای مطیع به آنها خدمت کنند. کارکردهای سودمند زنان باعث شده است که مردان در همه جا به دنبال مطیع ساختن آنها باشند. این گروه نه تنها به پدر سالاری بلکه به روسپیگری نیز معترض بوده اند و آن را موجب تحقیر زنان و افزایش قدرت سیاسی جنس مذکر می‌دانند (ویلهم^۱، ۱۹۹۵: ۷۱).

در این نگرش، فرد روسپی قدرت انتخاب ندارد، بلکه قربانی جبری مستقیم و زیرکانه است، زیرا ظلم به گونه‌ای در تفکر انسان‌ها جای گرفته است که با تغییر ساختار جامعه، به تنهایی نمی‌توان آن را از بین برد، بلکه باید دیدگاه مردان تغییر یابد تا برابری در قدرت بین زن و مرد ایجاد شود. این گروه معتقدند در صورت احراز برابری زن و مرد و اصلاح ساختار جامعه، روسپی‌گری دیگر جایگاهی در جامعه نخواهد داشت. این گروه بین تجاوز و روسپیگری تفاوتی قائل نیستند و فحشا را معامله‌ای خصوصی و بدون ضرر نمی‌دانند، بلکه معتقدند که فحشا

1. Wheleham

2. Gagar

«موجب تشدید و استحکام و عادی شدن «تحقیر» و «بهره‌کشی» از به زنان می‌شود (گاگار^۱، ۱۹۹۶: ۲۴۲). به نظر آنان فحشای زنانه، ظالمانه است، ولی نه از این نظر که عاملین آن از نگاه جامعه در رنج هستند، بلکه به دلیل اینکه حرفه‌ای سازمان یافته است و در جامعه باور یکسانی را برای ظلم و تحقیر علیه زنان در تمام حیطه‌های زندگی رواج می‌دهد (شارگه^۱، ۱۹۹۵: ۷۴).

در دیدگاه رایج، غریزه جنسی در مردان به اندازه ای قوی است که باید به هر شکلی ارضا شود و بی توجهی به این غرایز موجب روحیه تهاجمی و تجاوز آنها به زنان می‌شود، در حالی که فمینیست‌های تندرو، ریشه غرایز جنسی مردان را فرهنگی می‌دانند، نه خصوصیات بیولوژیکی. به نظر فمینیست‌های رادیکال، عرف جامعه می‌گوید مردان دارای تمایلات جنسی قوی هستند و باید تمایلات خود را ارضا کنند. اما زنان تنها این نیازها را درک می‌کنند و از نظر اجتماعی یاد گرفته‌اند که تعاریف پذیرفته شده «زن بودن» و «عادی سازی جنسی» را درونی سازند (ویبرگ^۲، ۱۹۹۶: ۱۹۴). منظور رادیکال‌ها از «تحقیر» و «عادی سازی جنسی» «مفاهیم اخلاقی» تعیین کننده رفتار صحیح و غلط نیست، بلکه معنای اجتماعی تحقیر را مدنظر دارند. تحقیر به معنای کلیه فعالیت‌هایی است که زنان برای مردان انجام می‌دهند. در نظر آنان باید به جای فاحشه‌ها، جامعه مرد محوری را سرزنش کرد که مردسالاری و نظام سرمایه داری آن شکل داده است. نظریه این گروه شامل درک و شناختن زنان روسپی و احقاق حق آنها نمی‌شود، بلکه درصدد حذف پدیده‌ای است که موجب تحکیم مردسالاری و اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان به عنوان یک طبقه می‌شود (مکنون، عطایی آشتیانی، ۱۳۸۴: ۴۵).

نظام مردسالار، مشکلات اجتماعی و اقتصادی و محدودیت‌های تحمیل شده بر زنان، آنان را در معرض ابتلا به بیماری‌های روحی و روانی قرار می‌دهد. این زنان اگر از سوی همسران خود حمایت نشوند و محارم مرد (شوهر، پدر، برادر) پذیرش و همیاری خوبی به آنها نشان ندهند ممکن است در برخورد با مردان دیگری که خود را مشتاق تأمین این نیازهای عاطفی نشان می‌دهند وابسته آنها شوند و پای در ورطه فساد و تباهی بگذارند.

فرضیه پژوهش

تأمین نیاز عاطفی زنان توسط مردان در به روسپیگری کشاندن آنان مؤثر است.

1. Sharge
2. Weiberg

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش: این مطالعه به صورت توصیفی - تحلیلی اجرا شد و از نظر جمع آوری داده‌ها از نوع مطالعات میدانی است.

جامعه آماری

برای شناسایی نقش مردان در به روسپیگری کشاندن زنان لازم بود به آنها دسترسی داشته باشیم، اما با توجه به پراکندگی زیاد و عدم دسترسی به این مردان و به دلیل خود مسئله و محدودیت‌های فرهنگی موجود در شناسایی چنین مردانی، دستیابی به آنها امکان‌پذیر نبود. محقق برای جمع‌آوری داده‌ها از همکاری ۲۰۶ زنی که از آبان تا اسفند ماه سال ۱۳۸۹ به جرم روسپیگری دستگیر شده بودند و در زندان‌های رجایی شهر، اوین و ورامین دوران محکومیت خود را سپری می‌کردند استفاده کرد. در عمل از تمام افراد واجد شرایط ورود به مطالعه استفاده شد.

ابزار پژوهش

در این تحقیق، اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه «محقق ساخته» گردآوری شده است. با توجه به همکاری مناسب شورای تحقیقات اداره کل زندان‌های استان تهران محقق توانست به داخل بند زندان برود و از طریق مصاحبه با تک‌تک مددجویان پرسشنامه‌ها را تکمیل کند. براساس فرضیه‌های تحقیق برای سنجش مفاهیم و متغیرهای مورد نظر تعداد ۴۱ سؤال طراحی شد. سؤالات براساس طیف لیکرت طراحی شده‌اند و از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف را در بر می‌گیرند. برای آزمون فرضیه‌ها مجموعه سؤال‌هایی که یک فرضیه را تشکیل می‌دادند براساس اولویت بندی مورد توافق استادان، نمره‌گذاری شدند. نمره حاصل با فرمول ۱۰۰

$$\times \frac{\text{نمره تعیین شده} - \text{نمره پایه}}{\text{نمره سقف} - \text{نمره پایه}}$$

نمره استاندارد، به نمره استاندارد (صفر تا صد) تبدیل شد. در این پژوهش متغیر وابسته گرایش به روسپیگری و متغیر مستقل تأمین نیاز عاطفی زنان توسط مردان بود.

اعتبار و روایی پژوهش^۱

در این تحقیق برای تعیین اعتبار پرسشنامه مراحل زیر طی شد: در تعیین اعتبار ابزار گردآوری اطلاعات از روش اندکس اعتبار محتوی و اعتبار صوری استفاده شد. بدین ترتیب که پرسشنامه مورد نظر براساس هدف های پژوهش و پس از مطالعه منابع علمی شامل کتب، مقالات و سایر پژوهش‌های مرتبط با مطالعه حاضر تنظیم شد و سپس در اختیار ۵ نفر از اعضای علمی و صاحب نظران قرار گرفت. پس از جمع‌آوری نظرات آنان شاخص اعتبار محتوی و صوری مورد تأیید قرار گرفت. در نهایت با تأیید نهایی استادان راهنما و مشاور مورد استفاده قرار گرفت.

پایایی^۱

در تعیین پایایی از روش آزمون مجدد استفاده شد. قابل ذکر است که در ابتدا برای تهیه پرسشنامه با تعدادی از مددجویان بحث متمرکز^۲ پرداختیم. سپس تعدادی از سؤال های پرسشنامه در همین زمان تغییر یافت و پرسشنامه نهایی در اختیار ۱۹ نفر از مددجویان قرار گرفت، سپس به فاصله ده روز مجدداً پرسشنامه در اختیار همان افراد قرار گرفت و آزمون همبستگی پیرسون اجرا شد. ضریب همبستگی محاسبه شده میان نمرات آزمودنی‌ها در آزمون و باز آزمون برابر ۰/۸۳۱ بود. علاوه بر این با استفاده از آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی درونی پرسشنامه، پایایی مجموع ۳۸ گویه ۰/۷۱۴ بوده است.

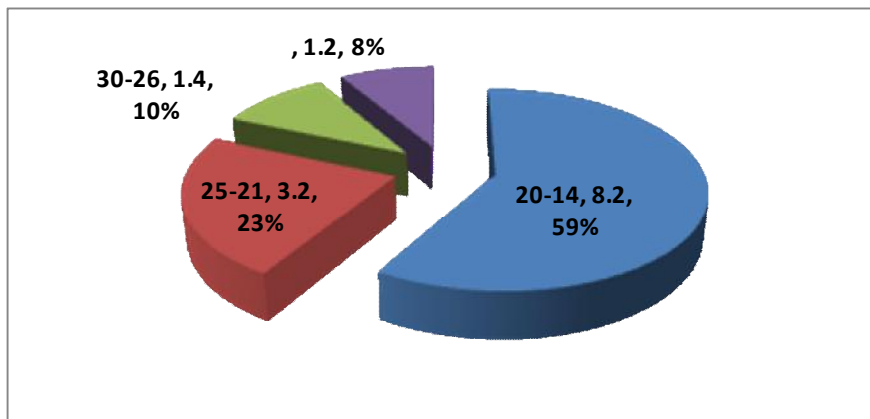
یافته‌های توصیفی

در بررسی سن آزمودنی‌ها مشخص شد که میانگین سن 28.60 ± 8.83 سال، میانه ۲۷/۰۰ سال، نما ۲۳ سال، کمترین سن ۱۴ و بیشترین ۶۰ سال بوده است.

1. Validity

1. Reliability

2. focus group discussion



نمودار شماره ۱: توزیع فراوانی واحدهای مورد پژوهش برحسب سن زنان

یافته‌ها نشان می‌دهند که ۳۷/۹ درصد (۷۸ نفر) متولد تهران، ۲/۹ درصد (۶ نفر) متولد شهری، ۸/۳ درصد (۱۷ نفر) متولد کرج و ۵۱/۰ درصد (۱۰۵ نفر) متولد سایر شهرها بوده‌اند.

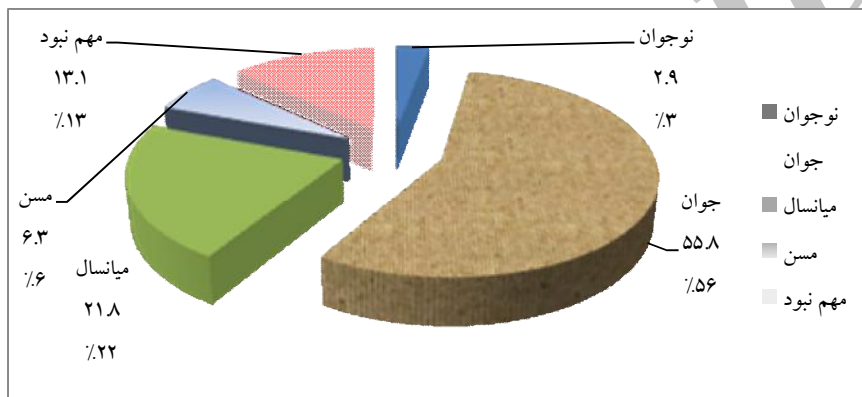
جدول شماره ۱: جدول توزیع فراوانی واحدهای مورد پژوهش برحسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی مطلق	نسبی	نسبی با ارزش	نسبی تجمعی
مجرد	۵۰	۲۴/۳	۲۴/۳	۲۴/۳
متاهل	۶۴	۳۱/۱	۳۱/۱	۵۵/۳
بیوه	۱۵	۷/۳	۷/۳	۶۲/۶
مطلقه	۶۰	۲۹/۱	۲۹/۱	۹۱/۷
متارکه کرده	۱۷	۸/۳	۸/۳	۱۰۰/۰
جمع کل	۱۰۶	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

یافته‌ها نشان داد که ۲۴/۳٪ (۵۰ نفر) مجرد، ۳۱/۱٪ (۶۴ نفر) متأهل، ۷/۳٪ (۱۵ نفر) مطلقه و ۸/۳٪ (۱۷ نفر) متارکه کرده بودند. براساس نتایج پژوهش سطح تحصیلات آزمودنی‌ها به این صورت بود: ۵/۸٪ (۱۲ نفر) بی سواد، ۷/۸٪ (۱۶ نفر) دارای سواد خواندن و نوشتن، ۱۲/۱٪ (۲۵)

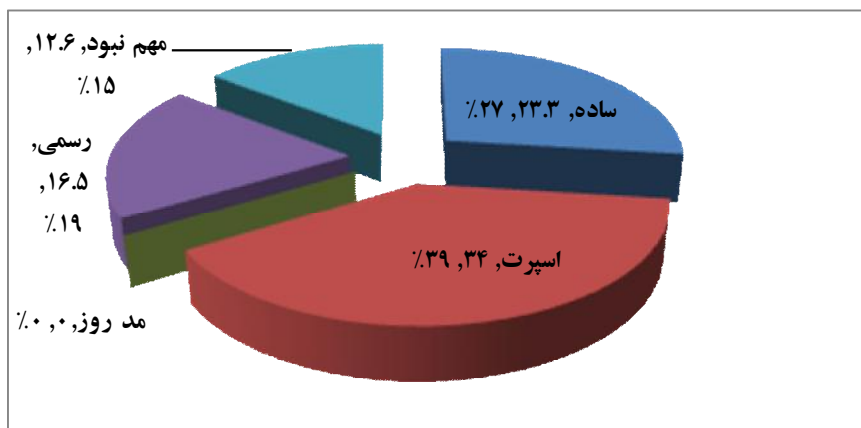
نفر) ابتدایی، ۳۰/۶٪ (نفر ۶۳) سیکل، ۳۰/۱٪ (نفر ۶۲) دیپلم، ۳/۹٪ (نفر ۸) فوق دیپلم و ۹/۷٪ (نفر ۲۰) لیسانس و بالاتر.

باتوجه به یافته‌ها ۸۴/۰٪ (نفر ۱۷۳) دارای دوست پسر بوده‌اند. براین اساس، ۲/۹٪ (نفر) زنان مایل بودند با افراد نوجوان، ۵۵/۸٪ (نفر ۱۱۵) با افراد جوان، ۲۱/۸٪ (نفر ۴۵) با افراد میانسال، ۶/۳٪ (نفر ۱۳) با افراد مسن معاشرت کنند. ضمناً ۱۳/۱٪ (نفر ۲۷) نیز سن مشتريان برایشان مهم نبوده است.



نمودار شماره ۲: نمودار توزیع فراوانی واحدهای مورد پژوهش برحسب گروه سنی مردان

براساس یافته‌ها ۲۳/۳٪ (نفر ۴۸) با افراد تیپ ساده، ۳۴/۰٪ (نفر ۷۰) اسپرت، ۱۳/۶٪ (نفر ۲۸) مد روز ۱۶/۵٪ (نفر ۳۴) رسمی ارتباط داشتند و برای ۱۲/۶٪ (نفر ۲۴) تیپ مردان مهم نبود.



نمودار شماره ۲: نمودار توزیع فراوانی واحدهای مورد پژوهش برحسب تیپ مردان

مشتریان این زنان، ۱/۵٪ (۳ نفر)، محصلان، ۱٪ (۲ نفر) سایر، ۹/۲٪ (۱۹ نفر) خلافکار، ۹/۲٪ (۱۹ نفر) دانشجو، ۹/۲٪ (۱۹ نفر) کارمند، ۸/۷٪ (۱۸ نفر) کارمند عالی رتبه، ۴/۹٪ (۱۰ نفر) کارگر و ۴۲/۲٪ (۸۷ نفر) دارای شغل آزاد بوده اند.

سطح سواد مشتریان به این ترتیب بود: ۶/۳٪ (۱۳ نفر) سواد خواندن و نوشتن، ۱۴/۱٪ (۲۹ نفر) سیکل، ۳۴/۰٪ (۷۰ نفر) دیپلم، ۱۳/۶٪ (۲۸ نفر) فوق دیپلم، ۱۷/۰٪ (۳۵ نفر) لیسانس و بالاتر. در ضمن ۱۵/۰٪ (۳۱ نفر) تحصیلات مردان را نمی دانستند. ۶۸/۱٪ (۶۴ نفر) این مردان در منزل شخصی و ۳۱/۹٪ (۳۰ نفر) در منازل استیجاری اقامت داشته اند.

در پرسش از اولین محل قرار با مشتریان مرد؛ ۱۶/۷٪ (۴۴ نفر) پاسخ دادند در کافی شاپ، ۸٪ (۲۱ نفر) در سینما، ۲۹/۷٪ (۷۸ نفر) در پارک، ۴/۹٪ (۱۳ نفر) در کوه، ۹/۹٪ (۲۶ نفر) در رستوران، ۶/۱٪ (۱۶ نفر) در محل کار، ۹/۹٪ (۲۶ نفر) در خیابان، ۱/۱٪ (۳ نفر) در منزل دوستان، ۸٪ (۲ نفر) در پیست اسکی، ۸/۰٪ (۲۱ نفر) در مسافرت، ۳/۸٪ (۱۰ نفر) در امامزاده، و ۱/۱٪ (۳ نفر) در دانشگاه با مشتریان خود قرار می گذاشته اند.

در بررسی سن اولین ارتباط جنسی زن با مشتریان مرد؛ سن کمتر از ۱۵ سال ۲۱/۴٪ (۴۴ نفر)، ۱۶-۲۰ سال ۴۰/۳٪ (۸۳ نفر)، ۲۱-۳۰ سال ۲۸/۶٪ (۵۹ نفر) و بیش از ۳۰ سال ۹/۷٪ (۲۰ نفر) ذکر شده است. در اولین ارتباط، ۱۰/۲٪ (۲۱ نفر) زنان پول، ۲۴/۸٪ (۵۱ نفر) هدیه،

۶/۸٪ (۱۴ نفر) امتیاز، ۱۱/۲٪ (۲۳ نفر) سایر موارد را دریافت کرده بودند. ۴۷/۱٪ (۹۷ نفر) نیز چیزی دریافت نکرده بودند.

طبق نتایج یافته های پژوهش ۱۱/۲٪ (۲۳ نفر) با افرادی ارتباط جنسی برقرار کرده بودند که دارای مشکل جنسی بوده اند. در خصوص احساس زنان به مردانی که دچار مشکل جنسی بوده اند ۱۰/۲٪ (۲۱ نفر) احساس ضعف داشته اند، ۲۶/۷٪ (۵۵ نفر) دچار احساس ترحم شده بودند، ۰/۹٪ (۴۳ نفر) احساس برتری می کرده‌اند و ۴۲/۲٪ (۸۷ نفر) برایشان مهم نبوده است.

یافته های تحلیلی

در بررسی فرضیه "نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان در به روسپیگری کشاندن زنان مؤثر است" پس از ارزیابی پرسش‌ها و گویه‌های مربوط، نمرات شرکت کنندگان محاسبه و به نمره استاندارد تبدیل شد. سپس از آزمون تی تک نمونه ای^۱ با نقطه برش^۲ ۵۰ استفاده شد تا مشخص شود که آیا بین نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان و به روسپیگری کشاندن زنان رابطه وجود دارد؟

لازم به توضیح است که برای محاسبه تنوع طلبی مردان از متغیرهای سن اولین فردی که با او رابطه برقرار شده، روش رابطه، تجربه قبلی فردی که با او رابطه جنسی برقرار شده، همزمانی ارتباط مشتری با زنان دیگر، استفاده شد. این پرسش‌ها و گویه عبارت بودند از:

۱. بیشترین راه ارتباط جنسی با مشتریان مرد
۲. دستاورد برقراری رابطه جنسی با مردان دیگر
۳. شیوه صحبت کردن مشتریان مرد با این زنان
۴. احساس زنان به این مشتریان مرد
۵. سابقه شکست عاطفی و عشقی در میان زنان
۶. کمبود محبت شوهر
۷. کمبودهای عاطفی زنان و گرایش آنها به برقراری ارتباط جنسی با مردانی غیر از همسر
۸. فقدان رابطه عاطفی مناسب شوهر با همسر خود

1. One sample T test

2. Cut off point

جدول شماره ۲: جدول آزمون T مستقل تک نمونه ای نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان در به روسپیگری کشاندن زنان

خط برش = ۵۰		آماره های گرایش مرکزی و پراکندگی								
نتایج آزمون t تک نمونه ای		حدود اطمینان ۹۵٪								
کرانه بالا	کرانه پایین	تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	خطای استاندارد میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	بین نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان و روسپی شدن زنان رابطه وجود دارد.
۲۲/۳۷	۱۷/۰۰	۱۹/۶۸	۰/۰۰۰	۱۸۰	۱۴/۴۶	۱/۳۶	۱۸/۳۱	۶۹/۶۸	۲۰۶	

میانگین نمرات زنان در زمینه "نحوه تأمین عاطفی شان از سوی مردان" 18.31 ± 69.68 بود که با نقطه برش ۵۰ به میزان ۱۹.۶۸ واحد اختلاف داشت. دامنه این اختلاف با اطمینان ۵۰٪ از ۱۷.۰۰ تا ۲۲.۳۷ بود. براین اساس میان نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان، و روسپی شدن زنان با ضریب ۹۵٪ اطمینان ارتباط معنادار آماری وجود دارد ($P=0/000$).

بحث و نتیجه گیری

در جوامع امروز هر نهادی سعی دارد گروه های دیگر را تحت سلطه خود بگیرد، به گونه ای که می توان این امر را میان طبقات و کاستها، گروه های نژادی، قومی و مذهبی و نیز رده های مختلف جنسی و سنی مشاهده کرد، که بنیادی ترین این رفتارها، ستمگری جنسی است. فمنیست های رادیکال معتقدند که در این مبارزه نخست باید ذهن زنان را به گونه ای اساسی بازسازی کرد تا هر زنی ارزش و توانایی خود را تشخیص دهد، نه آنکه به خاطر نیاز مالی یا اجباری که با آن مواجهند یا حتی رنج هایی که در شکست های عشقی و عاطفی بر روح و روان آنان وارد کرده است، به جنگ نابرابر تن در دهند و عروسکی باشند در دست مردانی که با جسم و روح و روان آنها بازی می کنند و آنها را به فحشا می کشانند. فرهنگ مرد سالاری تا آنجا پیش می رود که برخی از زنان از ترس کتک خوردن به دنبال ملجاء و ماوای دیگری می روند و مردان با فاحشگی آنان را تحت ستم جنسی قرار می دهند.

مطالعه صدیق سروستانی (۱۳۶۷) نشان داد که ۵۹/۹٪ این افراد از منزل پدر یا شوهر خود فرار کرده بودند و علت فرار ۵۴/۱٪ آنها مشکلات و اختلافات خانوادگی بوده است. مطالعه حاضر نیز

نتیجه مشابهی داشته است.

در مطالعه علیایی زند (۱۳۶۹) می بینیم روسپیان در ۶۴٪ موارد کمبود احساس مهر و محبت خانوادگی داشته اند و این عامل در زنان عادی فقط ۴٪ بوده است. مطالعه نشان دهنده آن است که این قشر زنان از همسران خود رضایت ندارند و به دلایل متفاوتی چون عدم تأمین مادی، عاطفی و خیانت همسر خود نیز وارد این ورطه می شوند. مطالعه حاضر نیز این موضوع را تأیید می کند.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که مردان با تأمین نیازهای عاطفی زنان قادرند آنها را تحت سلطه خود در آورند. همان گونه که فمنیست های روانکاو معتقدند، پسرپچه‌ها از کودکی می‌آموزند که برای مردانگی ارزش مثبتی قایل شوند ولی به زنانگی بهای کمتری بدهند. فمنیست‌های روانکاو، ستمگری در مورد زنان را برحسب نیازهای عاطفی عمیق مردها به نظارت کردن بر زنان تبیین می‌کنند و معتقدند از طریق کلام و تأمین نیازهای عاطفی می‌توان زنان را تحت تسلط خود در آورد.

پیشنهادها

۱. اجرای اقدامات فرهنگی برای اصلاح بینش‌های سنتی و غلط رایجی همچون مردسالاری و تبعیض جنسیتی؛
۲. اطلاع رسانی و آگاه سازی در جامعه زنان برای آشنایی آنها با حقوق فردی و اجتماعی خود؛
۳. پیشگیری از ازدواج تحمیلی از طریق آموزش والدین، وضع قوانین مناسب در این خصوص؛
۴. ارائه خدمات مشاوره‌ای به زنان مطلقه برای افزایش مهارت آنان در مقابله با مشکلات پس از طلاق
۵. توسعه خدمات مددکاری در خانواده های آسیب‌دیده برای پایدار نگهداشتن خانواده با تشکیل و تقویت نهادهای مدنی خاص زنان
۶. نظارت بر عملکرد بخش‌های خصوصی در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، خدماتی و ... برای برخورد قاطع با فساد در اماکن خصوصی و تأمین امنیت اخلاقی و شغلی زنان در محیط کار؛

۷. ایجاد بیمه بیکاری و مستمری مخصوص زنان بی‌سرپرست و فرزندان تک‌سرپرست، برای جلوگیری از فساد اخلاقی زنان و کودکان به علت فقر اقتصادی؛

محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق

- ۱- کمبود منابع و مأخذ کافی و قابل توجه در خصوص موضوع پژوهش تا محقق بتواند با استفاده از آنها به غنای تحقیق بیفزاید. شاید بتوان گفت، منابع فارسی و انگلیسی که مستقیماً به موضوع پژوهش مرتبط باشد نایاب است و دسترسی به منابع خارجی در این حوزه نیز با مشکلات فراوانی همراه بود.
- ۲- از آنجا که نشست و برخاست با این افراد شیوه مخصوص به خود را می‌طلبید، هم‌کلامی با آنان نیاز به زمان داشت و این امر باعث وقت‌گیر شدن جمع‌آوری اطلاعات شد اما جای خوشوقتی است که مسئولان با همراهی گام به گام به محقق کمک کردند.
- ۳- حساس بودن موضوع خود گره دیگری بود، زیرا در این راه به گونه‌ای رفتار کرد که نه آزمودنی احساس حقارت کند و نه محقق به او برچسبی بزند، یا او را تحت فشار اخلاقی قرار دهد و در عین حال خود نیز از مسیر مورد نظر دور نشود.

منابع

فارسی

- آقایی، م. (۱۳۸۵). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر روسپی‌گری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ستوده، ه. ا. (۱۳۷۶). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران، آوای نور.
- سلطانی، ف. (۱۳۸۲). روسپیگری (نظریه‌ها، زمینه‌ها، پیامدها، قوانین) دفتر امور - آسیب‌دیدگان اجتماعی.
- سلطانی، ف. (۱۳۸۶). عوامل اجتماعی - جمعیتی مؤثر بر انحرافات زنان (مطالعه - ای بر روابط نامشروع زنان آسیب‌دیده و اجتماعی در مراکز بازپروری سازمان بهزیستی).
- علیایی‌زند، ش. (۱۳۸۳). عوامل زمینه ساز تن دادن به روسپیگری. معاونت پژوهشی

دانشگاه علوم‌بهزیستی و توانبخشی.

- گیدنز، آ. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ریتز، ج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- مکنون، ث؛ عطایی آشتیانی، ز. (۱۳۸۴). *فمینیسم و روسپیگری*. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال هفتم، شماره ۴۸، تابستان.
- میرزایی، خ. (۱۳۸۸). *پژوهش، پژوهش‌گری و پژوهش‌نامه نویسی*. تهران، جامعه‌شناسان.

انگلیسی

- *Brownmiller, S. (1991). against our Will: Men, women and Rape. Ballantine Publishing Group, Juane, 1991.*
- *Sutherland, E. H; Donald .R. Cressey. (1966). Principles of criminology. 7th. Ed. De Beauvoir, 1998:191.*
- *Simone. (1995). Oppression and liberty. (Amherst. University of Massachushtts Press Weil, 1995.*
- *Minichiello, V.; Rodringo Brown, G; Jamieson, M, et al. (1999). A profile of the clients of male Sex Workers in three Australian cities. Australian and New Zealand Journal of public Health, 23, (511-518)*
- *Jaggar, Alison M. (1996). In Application of Feminist Legal Theory to Women's Lives: sex, violence, Reproductions, D., Kelly Weisberg, Temple univ. press, 1996*
- *Sharge, L. Should Feminism Oppose Prostitution? in Robert M. Stuart (ed.), Women Working: prostitution now.*
- *M, MARTIN. A . Monto (2000), Focusing on the Clients of Streets prostitutes. A creative Approach to Reducing violence Against women – Final Report .*
- *Cleod, E. (1982), London: crook helm.*
- *McCaghy, C. H. and Hou, C. (1994). Family Affiliation and Prostitution in a cultural*

- *Mc Keganey, N. P. and Bernard, M. (1996), Sex worker on the Streets. Career on sex of sexual Behavior, 23(3): 251-265.*

Archive of SID